درس ۲۷

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **لوقا**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (لوقا ۸: ۱- ۱۱: ۲۸) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: ازدواج مسیحی**

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: محبت و اطاعت: تیطس ۲: ٤- ٥

٤	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **تربیت فرزندان در خانواده مسیحی**

مقدمه: این تعلیم در رابطه با " تأدیب و تربیت فرزندان" می‌باشد. در این درس خواهیم آموخت که کتاب‌مقدس راجع به وظایف والدین مسیحی در قبال تربیت فرزندانشان چه تعلیمی می‌دهد. منظور از " تربیت کردن"، تعلیم دادن به فرزند در زمینه‌های عقلانی، جسمانی، روحانی و اخلاقی است. همچنین مراجعه کنید به بخش " مسئولیت والدین در رابطه با تأدیب فرزندان" در دستورعمل بنای کلیسا - کتاب سوم، ضمیمه شماره ۱ در انتهای این کتاب.
ممکن است والدین پس از مطالعه تمام اصولی که در کتاب‌مقدس در خصوص تربیت فرزندان آمده است، از خود نومید شوند. ممکن است فکر کنند که والدین خوبی نیستند و هرگز نمی‌توانند تمام اصول کتاب‌مقدس را در زندگی خود و فرزندانشان اجرا کنند. هدف از این درس، نومید کردن والدین نیست. بلکه هدف، دادن دستورالعملها و راهنماییهایی است که به والدین کمك می‌کنند فرزندان خود را بهتر تعلیم دهند و تربیت کنند. هیچ پدر و مادری در جهان کامل نیست. بسیاری از والدین تنها پس از بدنیا آمدن اولین فرزندشان به این فکر می‌افتند که چطور باید او را تربیت کنند. اکثر والدین در زمینه تربیت فرزندان خود بسیار کم تجربه هستند.
نیازی نیست والدین به امید روزی بنشینند که از هر لحاظ والدین کاملی شده‌اند و آنوقت بخواهند بچه‌دار شوند. فرزندان را خود خدا به والدین عطا می‌کند و خود او نیز این فیض را به والدین می‌بخشد که فرزندان خود را بزرگ کرده، آنها را تربیت و انضباط کنند. بنابراین اگر شما يك پدر یا مادر هستید، یکی از جوانب تربیت فرزند خود را انتخاب کرده، او را در آن زمینه به‌خصوص تربیت کنید و وقتی فرزندتان به اندازه کافی در این قسمت رشد کرد، به جنبه دیگری از تربیت او بپردازید. در زمینه تربیت فرزندانتان به فیض خدا متکی باشید.
امثال ۲۲: ٦ می‌فرماید: "طفل را در راهی که باید برود تربیت نما، و چون پیر هم شود از آن انحراف نخواهد ورزید." کلمه "تربیت کردن" یعنی وقف کردن یا تقدیم نمودن فرزند در راهی که خدا از او انتظار دارد. این کلمه همچنین به مفهوم آموزش و راهنمایی فرزند در چنین طریقی است. تعلیم والدین مساوی با تربیت نیست و گوش دادن فرزند برابر با آموختن نیست.
يك باغبان برای پرورش تاکهای تاکستان خود به آنها يك سلسله دستورالعمل و نظریه جهت رشد، تعلیم و ارائه نمی‌دهد، بلکه تاك را هرس کرده و حتی در صورت لزوم به شاخه‌ها طناب وصل می‌کند تا آنها را در جهتی که باید رشد کنند هدایت کند. او هر سال شاخه های مرده و وحشی را بدور می اندازد تا بدین وسیله شاخه‌های سالم به بهترین وجه ثمر آورند. به همین ترتیب والدینی که فرزندان خود را تربیت می‌کنند، برای زندگی آنها برنامه‌ریزی می‌کنند و حد و مرزهایی را برای آنها مشخص می‌کنند تا آنها از راه راست منحرف نشوند و در مسیر درست رشد کنند. والدین از طریق انضباط فرزندان خود آنها را هرس می‌کنند و از طریق سپردن وظایف سالم به آنها و مخصوصاً تشویق آنها، به آنها کمك می‌کنند تا در مسیری درست رشد کنند.

۱- روشهای تربیت

بخوانید: اول قرنتیان ۱۱: ۱؛ افسسیان ۳: ۲۰؛ افسسیان ٦: ٤ (به کلمات خشمگین نساختن، تعلیم و تربیت توجه کنید). غلاطیان ٦: ٤- ٥؛ امثال ۱۰: ۱۷
تعلیم دهید: در زیر به چهار روش بسیار عملی در زمینه تربیت فرزندان اشاره شده است:

الف) برای فرزند خود نمونه باشید و برای او دعا کنید.
اگر والدین آنچه را که به فرزندان خود تعلیم می‌دهند خود انجام ندهند، نتیجه ناامید کننده خواهد بود. چنین رفتار ریاکارانه ای باعث خشمگین شدن فرزند می‌شود. فرزند اغلب عادات نیکو را نه از طریق تعلیم والدین، بلکه با نگاه کردن به سخنان و رفتار آنها یاد می‌گیرد. بنابراین والدین باید در عین حال که فرزندان خود را تربیت می‌کنند، خود را نیز تربیت کنند. و چون والدین متوجه هستند که در انجام این وظیفه خطیر به کمك خدا نیاز دارند، در دعا بدین منظور از خدا کمك می‌خواهند. خدا وعده داده است که بسیار بیشتر از آنچه که والدین تصور می‌کنند و برای آن دعا می‌کنند، انجام خواهد داد.

ب) از روی کتاب‌مقدس به فرزند خود تعلیم دهید.
تربیت کردن یعنی تعلیم دادن حقیقت. فرزندان باید از حقایقی که در کتاب‌مقدس مکشوف شده است، آگاه باشند. حقایق کتاب‌مقدس عبارت است از باورها، ارزشها، و معیارهای زندگی که باعث خشنودی خدا می‌شود. فرزندان باید بفهمند حقیقت چیست. آنها باید درک کنند که چه چیزهایی مهم است و چرا. همچنین باید حکمت را بیاموزند تا کارها را بطور درست انجام دهند. در اینکه یاد بگیرند که هر کاری را در چه زمانی، برای چه کسی و چگونه باید انجام دهند. بنابراین والدین باید حقیقت را از روی کلام خدا به فرزندان خود تعلیم دهند و آنان را تشویق کنند که از این حقیقت پیروی کرده، آن را عملاً در زندگی خود بکار ببندند. سؤالات فرزندانشان را نیز باید تا حد امکان با استناد به کتاب‌مقدس پاسخ دهند. بنابراین به فرزندان خود بگویید که کتاب‌مقدس در خصوص جوانب مهم زندگی تعالیم زیادی دارد.

پ) به فرزند خود کمك کنید تا عادات نیکو را فرابگیرد.
تعلیم و تربیت عبارت است از تمرین کردن یك سری عادات. فرزندان باید یاد بگیرند که از حقیقت اطاعت کنند و آن را در زندگی خود به کار ببرند.
۱) فرزندان نخست از الگوی والدین پیروی می‌کنند و حقیقت را با کمك آنها در زندگی خود بکار می‌بندند.
۲) سپس یاد می‌گیرند که حقیقت را خودشان شخصاً بکار ببندند، ولی هنوز تحت نظارت والدین هستند.
۳) و سرانجام یاد می‌گیرند که حقیقت را بدون اینکه کسی بر آنها نظارت داشته باشد به عنوان یك عادت بکار ببندند.
فرزندان به تشویق نیاز دارند. والدین باید در فرزندان خود انگیزه ایجاد کنند تا آنها صبر و استقامت به‌خرج داده، هدف خود را به انجام برسانند. والدین و فرزندان باید متوجه این موضوع باشند که آزادی واقعی همیشه دارای حد و مرز است. بنابراین والدین باید مواظب باشند که فرزندانشان هیچگاه در آن واحد با انتخابهای زیادی روبرو نباشند. والدینی که می‌خواهند فرزندان‌شان را درست تربیت کنند، هرگز نباید یکی از آنها را با دیگری مقایسه کنند، زیرا خدا هر کس را به گونه‌ای متفاوت خلق کرده است. مقایسه کردن فرزندان با یکدیگر کاری غیراخلاقی است. والدین باید فرزندان خود را بخاطر پیشرفت‌هایی که داشته‌اند تشویق کنند و به آنها پاداشی دهند که از قبل به آنها وعده نداده اند.

ت) وقتی فرزندتان کار اشتباهی انجام می‌دهد، او را اصلاح و تأدیب کنید.
تربیت کردن عبارت است از اصلاح و تأدیب، و باعث می‌شود فرزند در مسیر درستی گام بردارد. در بخش بعدی به تفصیل به این موضوع می‌پردازیم. والدین باید بین نیاز فرزندان برای محبت دیدن از آنها از یك سو، و تنبیه آنها بخاطر سرکشی و نااطاعتی از سوی دیگر، تمایز قائل شوند و تعادل را حفظ کنند. امثال ۱۰: ۱۷ می‌فرماید: "کسی که تأدیب را نگاه دارد در طریق حیات است، اما کسی که تنبیه را ترك نماید گمراه می‌شود".

۲- جوانب مختلف تربیت فرزند

مقدمه: در لوقا ۲: ٥۲ می‌خوانیم: "و عیسی در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می‌کرد". بر اساس این آیه متوجه می‌شویم که در نظر خدا مهم است که یك فرزند در این زمینه‌ها تربیت شود:
۱) "حکمت"، که عبارت است از داشتن علم و آگاهی و بکار بستن این آگاهی در شرایط مختلف زندگی.
۲) "قامت"، یعنی رشد جسمانی.
۳) "رضامندی نزد خدا"، که بعد روحانی دارد.
٤) "رضامندی نزد مردم"، که بعد اجتماعی دارد.
بعد عاطفی به طور مشخص مطرح نشده است، ولی قطعاً به زمینه‌های فوق مربوط است.

مواردی که در لوقا ۲: ۵۲ مطرح شده است، بسیار گسترده است و نمی‌توانیم همه آنها را در این جا بررسی کنیم. بنابراین بررسی خود را تنها به چند مورد خاص نظیر اطاعت، احترام، راه رفتن با خدا، پرهیزگاری و حس مسؤولیت‌پذیری محدود خواهیم کرد. تمامی این موارد برای رشد و تعالی فرزند ضروری هستند.

الف) تربیت فرزند در زمینه اطاعت

بخوانید: افسسیان ٦: ١

کشف و گفتگو کنید: چرا مهم است که فرزند طوری تربیت شود که از آنچه درست است اطاعت کند؟

ملاحظات: یکی از جوانب مهم تربیت این است که به فرزند بیاموزیم از والدین خود اطاعت کند.

افسسیان ٦: ١ حکم می‌کند: "ای فرزندان، والدین خود را در خداوند اطاعت کنید، زیرا که این انصاف است". این اولین و مهمترین حقیقتی است که والدین باید به فرزند خود بیاموزند. این موضوع کلید تربیت فرزند در زمینه‌های دیگر زندگی‌اش می‌باشد. در این قسمت از کتاب‌مقدس، به فرزندان مسیحی حکم شده است که از والدین خود اطاعت کنند، نه به این خاطر که والدینشان مسیحی هستند ("در خداوند")، بلکه به این خاطر که خود فرزند فردی مسیحی است (یعنی "در خداوند" زندگی می‌کند). اطاعت فرزندان از والدین باعث خشنودی خدا می‌شود، ولو آنکه والدین مسیحی نباشند. به همین دلیل است که تربیت کردن فرزندان در زمینه اطاعت از والدین "در نظر خدا منصفانه است". اگر فرزندان یاد گرفته باشند که در زمینه آنچه درست و نیکو است از والدین خود اطاعت کنند، خواهند توانست در زمینه‌های دیگر نیز رشد کنند. چنین فرزندانی به احتمال زیاد بعدها از خدا و تمام قدرتهای مافوق خود نیز اطاعت خواهند کرد. اما اگر فرزند درس اطاعت را نیاموزد، در عوض اعمال بد و شرارت آمیز را خواهد آموخت.

اطاعت کلید یادگیری عادات نیکو و شیوه زندگی خداپسندانه است. فرزندان با اطاعت از والدین آنها را حرمت می‌نهند و در آینده نیز در جهت بنای کشور خود گام بر می‌دارند.

اگر فرزندی به سن بلوغ رسیده ولی والدینش او را در زمینه اطاعت تربیت نکرده‌اند، بهتر است هر چه زودتر او را در این زمینه تربیت کنند و نسبت به این موضوع غافل نمانند. والدین باید به فرزندان خود بگویند که در این زمینه غفلت کرده‌اند، و باید دعا کرده، از خدا به خاطر قصور خود طلب بخشش کنند. خدا والدین را خواهد بخشید و به آنها حکمتی جدید عطا خواهد کرد تا فرزندان‌شان را بخوبی تربیت کنند. والدین حتماً باید فرزندان خود را در زمینه اطاعت به بهترین وجه تربیت کنند. اگر والدین فرزندان خود را به خاطر سرکشی و نااطاعتی تأدیب ننمایند، او را طوری بار می‌آورند که در آینده فردی نامطیع و سرکش شود.

والدین باید به فرزند خود کمك کنند که اعمال خوب و مفید انجام دهد، زیرا در غیر اینصورت او ممکن است به انجام کارهای بد روی آورد. در خانه وظایف مختلفی را به فرزند خود محول کنید و از او بخواهید آنها را انجام دهد، و بدین ترتیب به او درس اطاعت را بیاموزید. و وقتی فرزندتان از شما اطاعت می‌کند و کاری را که به او سپرده‌اید انجام می‌دهد، بلافاصله او را به خاطر این اخلاق خوبش تشویق کنید. اگر فرزند بلافاصله از درخواست والدینش اطاعت نکرد، در آنصورت والدین باید مجدداً درخواست خود را تکرار کنند و اگر باز از انجام آن سر باز زد، او را تأدیب نمایند. اگر چنین نکنند، در واقع فرزند خود را تشویق به نااطاعتی کرده‌اند. اگر فرزند کاری را که از او خواسته شده است به علت احساس عدم امنیت یا ترس انجام نمی‌دهد، والدین باید در انجام آن کار به او کمك کنند تا فرزندشان اعتماد به نفس لازم را برای انجام آن کار را بدست آورد.

ب) تربیت فرزند در زمینه احترام گذاشتن به والدین

بخوانید: افسسیان ٦: ٢- ٣

کشف و گفتگو کنید: چگونه یك فرزند می‌تواند والدین خود را به طرز عملی احترام نماید؟

ملاحظات: دومین مورد مهم که والدین باید فرزندان خود را به انجام آن تربیت کنند، احترام گذاشتن به والدین است.

منظور از "احترام گذاشتن"، توجه نشان دادن به والدین، ارزش نهادن به آنها و محبت کردن آنها با میل شخصی و بدون ترس و انگیزه‌های خودخواهانه است. فرزندان به سه طریق می‌توانند والدین خود را احترام نمایند:

١) از طریق عدم درگیری و مجادله با والدین. فرزندان می‌توانند نقطه‌نظرات خود را با ملایمت به آنها بگوید و اجازه دهند خدا خود به‌گونه‌ای که باعث خشنودی او می‌شود در این قسمت عمل کند. فرزندان همچنین نباید پشت سر والدین خود و یا پشت سر هر فرد دیگری غیبت کنند. غیبت کردن به معنای بی‌حرمتی به مردم است (امثال ١٧: ٩).

٢) از طریق جدی گرفتن نصایح و پیشنهادات والدین. کتاب‌مقدس می‌فرماید که فرزندان باید حقیقت، حکمت، تأدیب، انضباط و فهم را از والدین خود بیاموزند (امثال ٢٣: ٢٣). وقتی والدین به فرزند خود پیشنهاد یا نصیحتی ارائه می‌دهند، بر فرزندان است که آن را جدی بگیرند. فرزندان باید تا زمانی که فرصت هست، از تجارب والدین و از حکمت آنها استفاده کنند.

٣) از طریق شریك ساختن والدین در زندگی واقعی خود. دوم قرنتیان ٦: ١١- ١٣ تعلیم می‌دهد که: "مسیحیان باید دلهای خود را نزد یکدیگر بگشایند". فرزندان باید یاد بگیرند که در رابطه با فعالیتهای مختلف خود با والدین‌شان صحبت کنند. آنها باید یاد بگیرند که با والدین در مورد کارهایی که در مدرسه، محل کار، کلیسا و یا در جمع دوستان‌شان انجام می‌دهند، گفتگو کنند. همچنین باید یاد بگیرند که در مورد روابط خود نیز با آنها صحبت کنند و برای‌شان توضیح دهند که چه دوستانی دارند و رابطه‌شان با آنها چگونه است. فرزندان باید یاد بگیرند که با والدین خود در مورد ایمان، افکار، احساسات و برنامه‌های خود صحبت کنند. والدین مسیحی نیز باید در این قسمت برای فرزندان خود الگوی خوبی باشند. اگر والدین مسیحی سفره دل خود را برای فرزندان خود نگشایند، چگونه می‌توانند از فرزندان خود انتظار چنین کاری داشته باشند؟

پ) تربیت فرزندان در زمینه راه رفتن با خدا

کشف و گفتگو کنید: والدین چگونه می‌توانند به طرزی عملی فرزندان خود را در زمینه راه رفتن با خدا تربیت کنند؟

۱) **بخوانید:** تثنیه ٦: ٦- ٩؛ ٣٢: ٤٦. خدا به والدین تعلیم می‌دهد که احکام وی را در افکار و زندگی فرزندان خود حك کنند. او می‌فرماید: "در حین نشستن در خانه، راه رفتن، خوابیدن و برخاستن، در مورد احکام خدا گفتگو کن". هم والدین و هم فرزندان باید اجازه دهند که کلام خدا بر اعمال و افکار و بر خانه آنها حاکم باشد. خدا به والدین تعلیم داده می‌فرماید: "دل خود را به همه سخنانی که من امروز به شما شهادت می‌دهم مشغول سازید تا فرزندان خود را حکم دهید که متوجه شده، تمامی کلمات این تورات را به عمل آورند."

۲) **بخوانید:** رومیان ۱۳: ۱- ٥؛ اعمال ٥: ۲۹؛ اول پطرس ۲: ۱۹. خدا به والدین این وظیفه را محول کرده است که به فرزندان خود تعلیم دهند تا آنان خدا را در زندگی خود بشناسند و تنها از او اطاعت کنند. هیچ قدرت حاکم دیگری اجازه ندارد والدین را از انجام این کار باز دارد. زیرا خدا خود حکومتها را برقرار کرده و وظایف خاص و محدودیتهایی را برای آنها معین کرده است. اگر حکومتی بخواهد مسیحیان را به انجام کاری وادارد که خدا آنها را از آن برحذر داشته است، در آن صورت مسیحیان باید به آرامی در برابر چنین حکومتی بایستند. تمام حکومتها در نهایت در برابر خدایی که خود را در کتاب‌مقدس مکشوف ساخته است، پاسخگو هستند.

۳) **بخوانید:** دوم تیموتاؤس ۱: ٥؛ ۳: ۱٥- ۱۷. کتاب‌مقدس مهمترین کتابی است که فرزندان باید در طول زندگی خود آن را مطالعه کنند. کتاب‌مقدس به جوانان در مورد نجات آگاهی و بصیرت می‌دهد و حقیقت را تعلیم داده، به آنها می‌آموزد که چگونه باید عادلانه زیست کنند. فرزندان با مطالعه کتاب‌مقدس و عمل به تعالیم آن افرادی بالغ و کامل می‌شوند و برای انجام وظایف و تحقق دعوتشان آماده می‌گردند. بنابراین والدین باید به فرزندان خود بیاموزند که کتاب‌مقدس را مطالعه و بررسی کنند و بخصوص از آن اطاعت نمایند. والدین برای این منظور می‌توانند از روشهای مختلفی بهره گیرند: آنها می‌توانند با اعضای خانواده خود وقت مشخصی جهت مطالعه کتاب‌مقدس داشته باشند. به عنوان مثال، یکی از والدین می‌تواند قسمتی از کتاب‌مقدس را مطالعه کند و بعد آن قسمت را با فرزندان خود مورد گفتگو و بررسی قرار دهد. والدین می‌توانند با فرزندان خود وقت خاصی را به دعای خانوادگی اختصاص دهند، و آیاتی از کتاب‌مقدس را با یکدیگر حفظ کنند. والدین باید در طول مراحل مختلف رشد فرزند، پیغام انجیل را برای او بازگو کنند و به او فرصت بدهند که عیسی مسیح را به زندگی خود دعوت کند (اگر قبلاً این کار را انجام نداده است). وقتی فرزندان به اندازه کافی بالغ شدند، والدین می‌توانند به آنها یاد بدهند که چگونه باید هر روز وقت مشخصی را به مطالعه کتاب‌مقدس و دعای شخصی اختصاص دهند. اعضای یك خانواده همچنین می‌توانند با یکدیگر عیسی مسیح را در همسایگی خود خدمت کنند (یعقوب ۲: ۱٥- ۱۷). بدین ترتیب فرزندان می‌توانند مانند والدین خود ایمانی بی‌ریا داشته باشند. والدین باید به فرزندان خود کمك کنند که در ایمان رشد کرده، در تجارب مختلف تنها به خدا توکل نمایند. آنها همچنین باید به فرزندان خود اجازه دهند که در مورد تجارب شخصی‌شان در زمینه توکل کردن به خدا صحبت کنند.

ت) تربیت فرزندان در زمینه پرهیزگاری و کنترل نفس

بخوانید: دوم پطرس ۱: ٥- ٦؛ امثال ۱۰: ۱۹؛ ۱٥: ۱؛ افسسیان ٤: ۲٦

کشف و گفتگو کنید: چگونه والدین می‌توانند فرزند خود را طوری تربیت کنند که در عمل شخصی پرهیزگار باشد؟

ملاحظات: "پرهیزگاری" عبارت است از توانایی شخص مبنی بر دست کشیدن از یك سری علایق، سخنان و اعمال. والدین باید فرزندان خود را طوری تربیت کنند که حاضر باشند در صورت لزوم از برخی علایق، سخنان و اعمال صرفنظر کنند. به عنوان مثال، والدین نباید به فرزند خود اجازه دهند که برای بدست آوردن چیزی آنقدر ناله و شکایت کند تا سرانجام آن چیز را بدست آورد. اگر چنین کنند، فرزندشان در آینده نیز همواره برای گرفتن چیزی از والدین به ناله و شکایت متوسل خواهد شد.

امثال ۱٥: ۱ می‌فرماید: "جواب نرم (والدین) خشم را برمی‌گرداند، اما سخن تلخ غیظ را به هیجان می‌آورد." و امثال ۱۰: ۱۹ می‌فرماید: "کثرت کلام (والدین) از گناه خالی نمی‌باشد، اما آنکه لبهایش را ضبط نماید عاقل است". والدین باید با فرزندان‌شان با محبت و ملایمت برخورد کنند و از این طریق برای آنها الگوی خوبی باشند. آنها باید به فرزندان خود یاد دهند که وقتی با یکدیگر صحبت می‌کنند، بویژه در مواقعی که ناراحت و عصبانی هستند، همواره باید رفتاری ملایم و محبت‌آمیز داشته باشند.

برخی از فرزندان عصبانیت خود را به طرزی غیرقابل کنترل ابراز می‌کنند، به عنوان مثال به شدت خشمگین می‌شوند و دست به اعمال وحشیانه‌ای می‌زنند که باعث ایجاد خرابی می‌شود، و یا عصبانیت خود را با توهین به دیگران بروز می‌دهند که باعث جریحه‌دار شدن احساسات طرف مقابل و حتك آبروی او می‌گردد. والدین حکیم در عین حال که باید به فرزندان خود اجازه ابراز خشم بدهند، باید به آنها کمك کنند که بر خشم خود کنترل داشته باشند. "نردبان خشم" درجات مختلفی دارد: پایین‌ترین نرده نشاندهنده ابراز خشم است به بدترین وجه ممکن، و بالاترین نرده نشاندهنده ابراز خشم به بهترین شکل است (مراجعه کنید به دستورعمل شاگردسازی - کتاب چهارم، ضمیمه شماره ۲، بخش شخصیت یك مسیحی: قسمت خشم). والدین باید فرزندان خود را در زمینه پرهیزگاری تربیت کنند. هر وقت که فرزند عصبانی می شود باید تمرین کند که خشمش را از طریقی مثبت ابراز کند. به عنوان مثال اگر عادت دارد که خشمش را با اعمال خشونت انگیز نشان دهد باید یاد بگیرد که خشمش را بدون اعمال و رفتار خشمگینانه ابراز کند. والدین باید فرزندان‌شان را به خاطر پیشرفتی که در این زمینه حاصل می‌کنند، تشویق نمایند. والدین باید به فرزندان خود یاد دهند که به ٥ روش می‌توان بر خشم فائق آمد: نخست اینکه دیرغضب باشند. به عبارت دیگر، به خاطر هر مسئله جزئی از کوره در نروند و هر اهانتی را به دل نگیرند (یعقوب ۱: ۱۹). دوم اینکه اجازه ندهند خشم‌شان بیش از یك روز ادامه یابد (افسسیان ٤: ۲٦). سوم اینکه از فرزند دیگری که زود خشمگین می‌شود و ممکن است روی او نیز تأثیر منفی

بگذارد، دوری جویند (امثال ۲۲: ۲٤- ۲۵). چهارم اینکه بدون سرکوبی یا انکار خشم خود، بیشتر بر خصوصیات مثبت کسی که از دست او عصبانی است متمرکز شود (رومیان ۱۲: ۱۰). و پنجم، هیچگاه کینه به دل نگیرد (اول قرنتیان ۱۳: ۵).

ث) تربیت فرزند در زمینه داشتن حس مسؤولیت
بخوانید: مراثی ۳: ۲۷
کشف و گفتگو کنید: چگونه والدین می‌توانند فرزندان خود را به گونه‌ای تربیت کنند که در عمل افرادی مسؤولیت‌پذیر باشند.
ملاحظات: والدین باید تا زمانیکه فرزندشان هنوز جوان است، مسؤولیتهای خاصی را به او واگذار کنند و از او بخواهند بابت کارهایی که انجام می‌دهد به والدینش پاسخگو باشد. والدین باید چه در داخل خانه و چه در خارج، به تدریج مسؤولیتهای بیشتری را به فرزندان خود بسپارند. به عنوان مثال، باید به آنها یاد دهند که محل استراحت و زندگی خود را منظم و تمیز نگاه دارند. به فرزندتان اجازه دهید در انجام مسؤولیتهای مربوط به خانه، مغازه یا مزرعه سهمی داشته باشد. فرزند خود را طوری تربیت کنید که نسبت به پول و اموال خود احساس مسؤولیت کند. او را تشویق کنید که به سفر برود، با دیگران بویژه با جنس مخالف رفتاری شایسته داشته باشد، و همچنین در کلیسا مسؤولیت‌هایی را بر عهده بگیرد.

۳- مراحل تربیت کردن

تعلیم دهید: تعالیم کتاب‌مقدس در خصوص تربیت فرزندان، چهارچوبی عملی دارد. تربیت فرزند دارای مراحل مختلفی است. تجربه نشان می‌دهد که از زمان بدنیا آمدن طفل تا پنج سالگی، و سپس از سنین شش تا یازده سالگی جزو مهمترین سالهای شکل‌گیری زندگی فرزند می‌باشند. در زیر نگاهی اجمالی خواهیم داشت به ٤ مرحله تربیت فرزند تا سن یازده سالگی. به خاطر داشته باشید که این مراحل ممکن است بسته به فرهنگ، جنسیت، شخصیت و شرایط محیطی فرزند، متفاوت باشد.

الف) اولین مرحله تربیت فرزند تا دو سالگی است.
این مرحله مهمترین دوره تربیت فرزند در زمینه اطاعت کردن است. در این مرحله، از لحاظ جسمانی فرزند را باید در زمینه‌های مختلفی چون غذا خوردن، صحبت کردن و غیره تربیت کرد.

ب) دومین مرحله تربیت فرزند، سنین بین دو تا سه سالگی است.
در این دوره، اغلب فرزندان والدین خود را آزمایش می‌کنند تا ببینند تا چه اندازه می‌توانند نافرمانی کرده و به آنچه خود میخواهند ادامه دهند. این مرحله مهمترین دوره جهت آموختن انضباط به فرزند است. والدین باید برای فرزند خود حد و مرزهایی تعیین کنند: هر گاه فرزندشان از این حدود خارج شود، او را تنبیه کنند و هر گاه در چهارچوب این حدود رفتار کرد، او را تشویق نمایند. از لحاظ عاطفی نیز باید فرزند را طوری تربیت کرد که با دیگران رفتاری شایسته داشته باشد و از کارهای بد بپرهیزد و مخصوصاً پرهیزگاری را به او بیاموزند. کودك در این دوره نیازمند حفاظت و محبت بیشتری است و اغلب ترجیح می‌دهد با مادر خود باشد.

پ) سومین مرحله تربیت فرزند، سنین سه تا پنج سالگی است.
این مرحله مهمترین دوره تربیت فرزند در زمینه راه رفتن با خدا است. انجیل را به او بیاموزید، برای او داستانهایی از کتاب‌مقدس بخوانید، به او یاد دهید که آیات کتاب‌مقدس را حفظ کند، دعا کند و سرود بخواند. او را تربیت کنید که بر احساسات خود کنترل داشته باشد، و مخصوصاً خشم و ناراحتی خود را به طرزی شایسته ابراز نماید. نیز این مرحله دوره مهمی است جهت تربیت فرزند در زمینه کسب مهارتهای اجتماعی چون نحوه برخورد با مردم و یافتن دوست در بین هم سن و سالان خود. به فرزندتان یاد دهید که مسؤولیت‌پذیر باشد. به عنوان مثال، به او یاد دهید که اسباب بازیهای خود را جمع کند، در خانه به شما کمك کند و غیره. از لحاظ عقلانی، فرزند در این سنین دائماً در مورد "چرا"های مختلف سؤال می‌کند. والدین باید جهت پاسخ به سؤالات فرزندشان وقت دهند و با بیان مطالب مختلفی در خصوص موضوعاتی چون نحوه زندگی انسان، گیاهان، جانوران و غیره، مهارتهای یادگیری را در او توسعه دهند. کتابهای مفیدی برای او بخوانید و سرودهای زیبایی را به او یاد دهید. از لحاظ جسمانی نیز به فرزند خود یاد دهید که بدن خود را همواره تمیز نگاه دارد و غیره.

ت) چهارمین مرحله تربیت فرزند، سنین شش تا یازده سالگی است.
این مرحله از لحاظ جسمانی و اجتماعی، بهترین دوره است جهت تربیت فرزند در زمینه کسب مهارت در انجام امور خانه، نواختن موسیقی، فراگیری بازیهای مختلف و ورزش. در خصوص امور جنسی نیز به فرزندتان تعلیم دهید و همچنین به او بیاموزید که از پول خود به خوبی استفاده کند. این بهترین دوره‌ای است که می‌توانید به فرزندتان یاد دهید به فکر دیگران باشد و به آنان کمك کند. همچنین این دوره زمان خوبی است جهت توسعه فعالیتهای خانوادگی به منظور استحکام خانواده. به‌طور مرتب جلسات خانوادگی داشته باشید، با هم بازیهای گروهی انجام دهید، از بودن با یکدیگر لذت ببرید و به اتفاق اعضای خانواده خود به ملاقات دیگران بروید. سعی کنید با هم جلسات خانوادگی ترتیب داده، در مورد مسائل مختلف زندگی خانوادگی با هم مشورت و تبادل نظر کنید. این جلسات به فرزندتان کمك خواهد کرد تا در خصوص مسائل مختلف زندگی تصمیم‌گیری کند. سعی کنید فرزند خود را در تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزیهایی که انجام می‌دهید سهیم کنید، مخصوصاً در تصمیم‌گیریهایی که به نحوی به خود آنها مرتبط است.

از لحاظ عقلانی، فرزند در این مرحله دوست دارد مطالعه کند، بر معلومات خود بیافزاید و به سفر برود. بنابراین، او را تشویق کنید که کتب مفیدی مطالعه کند. فرزندتان را تشویق کنید که در پی کسب معلومات مفید باشد، و همراه او به سفر بروید. از لحاظ عاطفی، فرزند در این دوره احساسات خود را به طرز شدیدتر و پیچیده‌تری ابراز می‌کند. والدین باید فرزند خود را بپذیرند، به او محبت کنند و او را بخوبی درك نمایند. از لحاظ روحانی، این مرحله دوران مهمی است جهت کمك به فرزند تا در رابطه خود با مسیح رشد کند و با دیگر فرزندان مسیحی مشارکت داشته باشد. خانواده باید با یکدیگر کتاب‌مقدس را مطالعه کنند و در مورد مطالب آن با هم گفتگو کرده، با یکدیگر دعا کنند. والدین باید به فرزندان خود یاد دهند که چگونه باید با غیرمسیحیان نیز رابطه داشت. و سرانجام، والدین باید معیارهای رفتار مسیحی را به فرزندان خود تعلیم دهند. والدین باید به طور مرتب برای فرزندان خود دعا کنند و از خدا بخواهند به آنها فیض دهد تا در زندگی خود اعتقادات، ارزشها و معیارهایی مسیحایی داشته باشند.

٥	**دعا (٨ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تکلیف منزل (٢ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
٢ - موضوع " تربیت فرزندان در یك خانواده مسیحی" را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای جمعی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
٣ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از لوقا ١١: ٢٩- ١٤: ٣٥ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (حل اختلافات: متی ٥: ٢٣- ٢٤) را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
٥ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا ١٢) را در خانه آماده کنید. از روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
٦ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ٣).
٧ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.